فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و پنجم، تابستان ۱۴۰۵- صفحات ۸۶-۵۷

طراحی شاخص ربا در بانکداری اسلامی با رویکرد تحلیل محتوا و روش تصمیم‌گیری بهترین بدترین (BWM)

نوع مقاله: پژوهشی

علی سیلسپور[۱]
محمدجواد محقق‌نیا[۲]
حسین سیلسپور[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۵

چکیده

در این پژوهش، به بررسی طراحی شاخصی برای سنجش ربا در بانکداری اسلامی پرداخته شده است که بر اساس اصول اسلامی و اهداف بانکداری بدون ربا طراحی شده است. پرهیز از ربا به‌عنوان یکی از اصول کلیدی در اسلامی‌سازی فعالیت‌های بانکی، نیازمند سنجش دقیق و منسجم است. برای این منظور، از تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان بانکداری اسلامی استفاده و از طریق کدگذاری باز، مؤلفه‌های مرتبط با ربا شناسایی شده است. این پژوهش به ارزیابی دقیق شاخص‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با ربا در بانکداری اسلامی با تأکید بر انطباق با اصول شریعت و شفافیت و عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین اصول پرداخته است. از طریق مصاحبه‌های کیفی با خبرگان و روش بهترین - بدترین (BWM) برای تعیین ضریب اهمیت و اولویت‌بندی، این پژوهش تلاش می‌کند تا چشم‌اندازی جامع از استراتژی‌های مقابله با عناصر ربوی فراهم آورد. نتایج بر اهمیت انطباق با اصول شریعت و شفافیت و عدالت در فعالیت‌های بانکی تأکید دارد و برای توسعه بانکداری اسلامی پایدار نقش مکملی ایفا می‌کند و حداقل میزان قابل‌قبول برای این شاخص بر اساس نظر خبرگان ۶۷,۳۴ تعیین شده است. باوجود محدودیت‌هایی نظیر اتکای به داده‌های کیفی، یافته‌ها رهنمودهایی برای طراحی سیاست‌ها و محصولات مالی اسلامی ارائه می‌دهند. پژوهش‌های آتی می‌توانند با توسعه مدل‌های ترکیبی و تکیه بر فناوری‌های نوین، به افزایش کارایی و نوآوری در این حوزه کمک کنند. این یافته‌ها رهنمودهای ارزشمندی برای طراحی سیاست‌ها و محصولات بانکی در راستای ترویج بانکداری اسلامی پایدار و اخلاقی فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: شاخص ربا؛ بانکداری اسلامی؛ تحلیل محتوا؛ بهترین بدترین.
طبقه‌بندی JEL: G21، D71، D02

---

۱ کارشناسی‌ارشد، گروه مدیریت مالی، حسابداری و مهندسی مالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران ایران (نویسنده مسئول) ali.seilsepour@srbiau.ac.ir
۲ دانشیار، گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران
mohagheghnia@atu.ac.ir
۳ دکتری مالی - بانکداری، گروه مالی بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ایران h_seilsepour@atu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

مقدمه

طراحی شاخص ربا در بانکداری اسلامی چالش بزرگی برای اقتصاددانان و فقهای اسلامی به شمار می‌رود، چرا که انجام فعالیت‌های بانکی باید به طور کامل با اصول حقوقی اسلامی مطابقت داشته باشد. در اسلام، ربا که به بهره یا سودی اشاره دارد که بدون مبادله‌ای عادلانه و به نحوی ناعادلانه از بدهکار اخذ می‌شود، به‌شدت ممنوع است؛ بنابراین، طراحی و به‌کارگیری چارچوب‌های سنجش‌پذیر و داده‌محور برای رصد مستمر مظاهر ربوی آشکار و پنهان در چارچوب بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (احمدوند و توحیدی،۱۳۹۴،ص۴۲). بانکداری اسلامی صرفاً به اجتناب از ربا محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم رعایت اصول گسترده‌تری از جمله عدالت و همسویی با چارچوب‌های اقتصادی اسلامی است. ازاین‌رو، علاوه بر پرهیز از ربا، التزام به اصولی همچون عدالت در تعامل با ذی‌نفعان، از الزامات اساسی نظام بانکی اسلامی محسوب می‌شود(سیلسپور و همکاران ۱۴۰۳،ص۳۷۳). علی‌رغم مزایای متعدد بانکداری بدون ربا، اجرای جامع و مؤثر آن در ایران همچنان با مشکلات و چالش‌هایی مواجه است (حاجی‌هاشمی ورنوسفادرانی، ۱۴۰۲، ص. ۸) .این چالش‌ها در عمل عمدتاً به صورت استفاده از برخی عقود صوری، کاربست جریمه‌های دیرکرد و کاستی‌های شفافیت قراردادی نمود می‌یابد که نیاز به ابزار سنجش نظام‌مند را برجسته می‌کند.

این بخش به بررسی شاخص‌هایی می‌پردازد که می‌توانند برای تشخیص و مدیریت ریسک‌های مرتبط با ربا در بانکداری اسلامی به کار گرفته شوند. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج،۲ ص. ۲۴۷-۲۰۱) چنین شاخص‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که امکان ارزیابی دقیق و کارآمد فعالیت‌های بانکی را فراهم آورند و اطمینان حاصل کنند که تمام معاملات مطابق با اصول اسلامی انجام می‌شوند؛ بنابراین، شاخص ربا باید توانایی تمیز بین سودهای حلال و درآمدهای حرام را داشته باشند و به‌عنوان ابزاری برای تضمین پیوستگی انطباق با قوانین شریعت در عملیات بانکی عمل کنند. دستیابی به این هدف نیازمند درک عمیق از فقه اسلامی و اصول اقتصادی است. این شامل تجزیه‌وتحلیل دقیق متون دینی، فتاوا و تفسیرهای علمای اسلامی در مورد ربا می‌شود. علاوه بر این، این شاخص باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نسبت به نیازهای در حال تغییر بازار مالی پاسخگو باشند و در برابر تحولات اقتصادی انعطاف‌پذیری نشان دهند .به‌ویژه در بستر ایران، اتکای صرف به بحث‌های مفهومی کفایت نمی‌کند و لازم است شاخص‌ها بر پایه داده‌های واقعی فرایندهای اعطای تسهیلات، قراردادهای مشارکتی، کارمزدها و رویه‌های وصول مطالبات کالیبره شوند تا قابلیت پایش مستمر پیدا کنند .توسعه چنین شاخصی همچنین نیازمند بهره‌گیری از رویکردهای فناورانه و اطلاعاتی معاصر است. استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی می‌تواند در تجزیه‌وتحلیل و پردازش داده‌های مالی برای شناسایی معاملات و عملیاتی که احتمالاً شامل ربا هستند، مؤثر باشد؛ بنابراین،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

شاخص طراحی شده می‌تواند نقش مهمی در تضمین شفافیت و یکپارچگی در بانکداری اسلامی ایفا کنند و مسیر را برای توسعه یک سیستم مالی عادلانه و پایدار هموار سازند. پژوهش‌های متعددی به بررسی موضوع ربا پرداخته‌اند. در پژوهش اسدی و همکاران (۱۴۰۰) موضوع حرمت ربا در فقه اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته و حرمت بی‌چون و چرای آن تبیین شده است. این مطالعه با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا، به بررسی شاخص‌هایی پرداخته که عملکرد بانک‌ها را در راستای انطباق با معیارهای اقتصاد اسلامی ارزیابی می‌کنند. علوی (۱۳۹۱)، فلسفه تحریم ربا را با تمرکز بر مفهوم ظلم به‌عنوان عامل اصلی این تحریم، با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به آیات قرآن و روایات بررسی کرده است. در ادامه، احمدوند و توحیدی (۱۳۹۵) به تحلیل جایگاه ظلم در تحریم ربا پرداخته و تفاوت‌های میان قرض‌های مصرفی و تولیدی را مورد نقد قرار داده‌اند. موسویان و میسمی (۱۳۹۳) به‌نقد و بررسی گستره دیدگاه‌های محدودکننده و گسترده در خصوص ربا پرداخته‌اند، درحالی‌که نقدی دورباطی و همکاران (۱۳۹۵) استثنائات مرتبط با ربا را مورد بررسی قرار داده و آن‌ها را ناسازگار با اصول فقه اسلامی دانسته‌اند. عسگری و همکاران (۱۳۹۹) با تمرکز بر جنبه‌های ریسکی ربا، بر اهمیت طراحی شاخص‌های جدید تأکید کرده‌اند .با این حال، شکاف پژوهشی اصلی آن است که اکثر این مطالعات با وجود ارزش نظری و فقهی یا به ارائه معیارهای کلی بسنده کرده‌اند یا فاقد یک سازوکار اجرایی وزن‌دهی و آستانه‌گذاری مبتنی بر داده‌های میدانی نظام بانکی ایران بوده‌اند؛ ازاین‌رو، هنوز چارچوبی عملیاتی برای سنجش منظم ریسک‌های ربوی و پایش دوره‌ای آن‌ها در سطح بانک/شعبه به‌صورت شاخص ترکیبی، به‌طور کافی صورت‌بندی نشده است .با درنظرگرفتن مطالعات، بیانگر آن است که بانکداری اسلامی به ابزارها و مکانیزم‌های نوینی نیاز دارد که بتواند موارد ربوی را شناسایی، ارزیابی و مدیریت کند و ضمن حفظ اصول اسلامی، نیازهای اقتصادی جامعه را برآورده سازد که این خود زمینه‌ساز توسعه پایدار و عادلانه در چارچوب اقتصاد اسلامی خواهد بود.

نخستین گام در طراحی شاخص ربا در بانکداری اسلامی، نگاه عمیق به فلسفه و مفهوم ربا در آموزه‌های اسلامی و در مرحله بعد تطبیق آن با بانکداری اسلامی است، و در سطح عملیاتی، تعریف شاخص‌هایی است که بتوان آن‌ها را بر داده‌های واقعی قراردادها و رویه‌های بانکی اندازه‌گیری و مقایسه کرد .در این پژوهش به بررسی ربا در اندیشه اسلامی و جایگاه نهاد بانک در اقتصاد اسلامی و اصول بنیادین آن پرداخته شده و سپس طراحی شاخص ربا در بانکداری اسلامی با اتکا به شواهد کیفی میدانی به بررسی ابعاد مختلف ربا با استفاده از نظر خبرگان و با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته شده است. به‌منظور مشخص نمودن ضریب اهمیت و اولویت هر یک از این مقوله‌ها و زیر مقوله‌های شناسایی شده، روش بهترین - بدترین(BWM) ، به کار گرفته شده است؛ این روش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

ضمن ارائه وزن‌های سازگار برای مقوله‌ها، امکان استخراج «آستانه‌های قابل‌قبول» را نیز فراهم می‌کند تا بانک‌ها بتوانند عملکرد خود را در گذر زمان پایش کنند .بنابراین این پژوهش درصدد است با طراحی این شاخص در بانکداری اسلامی بتواند گامی اساسی در خصوص بانکداری اسلامی در کشور ایران ایفا نماید.

در این پژوهش، برای استخراج معانی از داده‌های متنی به روش تحلیل محتوا متوسل شده است. اطلاعات از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و گروه‌های کانونی جمع‌آوری گردید. کدگذاری باز نیز بر داده‌ها اعمال گردید تا مقوله‌های کلیدی شناسایی شوند. سپس، به‌منظور وزن‌دهی شاخص‌ها، روش بهترین - بدترین (BWM) به کار گرفته شد که توسط خبرگان، انتخاب دقیق و کاربردی شاخص‌ها صورت پذیرفت و حداقل میزان قابل‌قبول برای از نظر خبرگان برای این شاخص تعیین گردید .بدین‌ترتیب، سهم هر زیرمقوله به‌صورت وزن‌های روش بهترین - بدترین (BWM) تعیین و آستانه کل بر پایه میانگین وزنی حداقل‌امتیازهای قابل‌قبول زیرمقوله‌ها استخراج شد؛ این رویکرد امکان اتصال مستقیم یافته‌های نظری به ارزیابی‌های عملیاتی در بانک‌های ایران را فراهم می‌کند . این رویکرد ترکیبی، چارچوب منسجم و قابل اتکایی برای طراحی شاخص ارائه می‌دهد .در مجموع، افزوده‌شدن لایه‌های داده‌محور و آستانه‌گذاری عملیاتی، ضمن تبیین دقیق شکاف ادبیات، ضرورت علمی کاربردی پژوهش حاضر را در پاسخ به مسائل واقعی نظام بانکی ایران روشن می‌سازد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. بررسی مفهوم ربا در نظام بانکداری اسلامی

ربا در فقه اسلامی به دو نوع ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم می‌شود. ربای معاملی زمانی رخ می‌دهد که در معامله دو کالای هم‌جنس، یکی از طرفین سودی ناعادلانه کسب کند. این نوع ربا در اقتصاد مدرن کمتر مشاهده می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص. ۶۰۸). ربای قرضی هنگامی رخ می‌دهد که فردی وامی دریافت کرده و متعهد به بازپرداخت مبلغی مازاد شود. این سود می‌تواند به‌صورت افزایش واقعی در قالب پول یا کالا و یا به‌صورت منفعت غیرمستقیم باشد (صدر، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). از منظر فقه اسلامی، ربای قرضی آشکارترین مصداق ربا بوده و ممنوعیت قاطع دارد.

یکی از چالش‌های بانکداری اسلامی، حیل ربا است که به‌عنوان ابزارهایی برای دور زدن قوانین شرعی به کار می‌روند. حسینی[1] (۲۰۲۱) بیان می‌کند که تحریم ربا تنها به وام‌های ربوی محدود نشده و فقه اسلامی حریم‌های حفاظتی برای جلوگیری از ظهور ربا در اشکال جدید ایجاد کرده است.

1 Hosseini

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۲-۱. حیله‌های ربا

حیله‌های ربا شامل سه نوع عقود صوری، تغییر عنوان، و عقود ترکیبی است. در عقود صوری، معامله ظاهراً شرعی اما در واقع ربوی است. در تغییر عنوان، معامله ربوی باقی می‌ماند؛ اما عنوان آن تغییر داده می‌شود. عقود ترکیبی شامل چند عقد شرعی مستقل هستند که در ترکیب با یکدیگر به معامله‌ای ربوی منجر می‌شوند.

امام خمینی (ره) استفاده از هرگونه حیله برای ربای قرضی را غیرشرعی دانسته است (خمینی، ۱۴۲۱ق؛ میرمعزی، ۱۳۸۵). صدیق[1] (۲۰۲۲) معتقد است که استفاده از پول‌های اعتباری که فاقد ارزش ذاتی‌اند، یکی از حیله‌های ربوی در بانکداری مدرن محسوب می‌شود. علوی (۱۳۹۱) نیز تأکید دارد که معاملات حتی در صورت ظاهر شرعی، اگر منجر به بی‌عدالتی شوند، همچنان ماهیت ربوی دارند.

۲-۲. تطبیق حیله‌های ربا در بانکداری اسلامی

حیله‌های ربوی در بانکداری اسلامی را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد. نخست، در برخی بانک‌ها مشتریان با دریافت تسهیلات مالی، متعهد به بازپرداخت اصل مبلغ همراه با سود مشخصی می‌شوند که در ظاهر غیرربوی طراحی شده اما در عمل معادل یک معامله ربوی است. اُدّین[2](۲۰۱۵) تأکید می‌کند که هرگونه معامله‌ای که شامل سود تضمین‌شده باشد، حتی بدون توجه به سود و زیان واقعی، با اصول فقهی در تضاد است.

دومین دسته به سوءاستفاده از عقود شرعی مانند مضاربه، جعاله و مشارکت مربوط می‌شود. در مضاربه، تعیین سود ثابت مغایر با اصول فقهی است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص. ۴۴۸). در جعاله، مشخص‌نبودن وظایف طرفین می‌تواند موجب شبهه ربوی شود و در مشارکت، تعهد عامل به پرداخت سود ثابت بدون درنظرگرفتن نتایج واقعی، مغایر با اصول شرعی است.

سومین دسته شامل کارمزدهای بیش از حد، جریمه‌های دیرکرد و افزایش‌های غیرمتعارف است که بار مالی ناعادلانه‌ای بر مدیون تحمیل می‌کنند. چهارمین دسته به ترکیب چندین عقد شرعی اشاره دارد که در ظاهر شرعی هستند اما ماهیت ربوی دارند. موسویان و میسمی (۱۳۹۳) تأکید دارند که اختلاف‌نظرهای فقهی در این زمینه موجب تداوم برخی از این شیوه‌ها در بانکداری اسلامی شده است.

1 Siddique
2 Uddin

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۲-۳. ضرورت طراحی شاخص‌های شناسایی ربا

چالش‌های مرتبط با ربا و حیله‌های ربوی، نیاز به طراحی شاخص‌های جامع برای مدیریت ریسک‌های ربوی را برجسته می‌سازد. عسکری و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند که شاخص‌های موجود در بانکداری اسلامی کافی نیستند و ابزارهای جدیدی باید طراحی شوند که علاوه بر انطباق با اصول فقهی، توانایی شناسایی ریسک‌های اقتصادی ناشی از ربا را نیز داشته باشند. احمدوند و توحیدی (۱۳۹۴) نیز تأکید دارند که شاخص‌های جدید باید نه‌تنها معاملات ربوی را شناسایی کنند، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن را نیز ارزیابی نمایند.

۲-۴. نقش پول در بانکداری اسلامی

پول در نظام مالی نقش اساسی در مدیریت ریسک‌های ربوی ایفا می‌کند. صدیق (۲۰۲۲) معتقد است که پول‌های اعتباری مدرن، به دلیل وابستگی به نظام اعتبار، می‌توانند به‌عنوان ابزار ربا مورد استفاده قرار گیرند. وی پیشنهاد می‌دهد که بانکداری اسلامی برای تطابق با اصول فقهی، به سمت استفاده از پول‌های کالایی مانند طلا و نقره حرکت کند. کویاته[1] (۲۰۲۲) نیز تأکید دارد که پول‌های اعتباری به دلیل ماهیت خود، در معرض شبهات ربوی قرار دارند و باید قوانین مرتبط با آن‌ها در بانکداری اسلامی بازنگری شود.

ربا یکی از موضوعات مهم در فقه اسلامی و بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته برای حذف ربا از نظام بانکی، چالش‌هایی همچنان باقی مانده است. حیله‌های ربوی در بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که طراحی معاملات باید به‌گونه‌ای باشد که نه‌تنها از نظر ظاهری، بلکه از نظر ماهوی نیز با اصول فقهی همخوانی داشته باشد. طراحی شاخص‌های شناسایی معاملات ربوی و اصلاح ساختار پولی بانکداری اسلامی می‌تواند در جلوگیری از اشکال پنهان ربا مؤثر باشد و عدالت اقتصادی را در نظام مالی اسلامی تضمین کند.

۲-۵. چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مباحث نظری و شواهد تجربی پیشین، چارچوبی مفهومی برای طراحی «شاخص ربا» در بانکداری اسلامی ترسیم می‌شود که هدف آن تبیین روابط میان مقولات نظری و استخراج شاخص‌های سنجش ریسک ربوی در نظام بانکی است. این چارچوب بر مبنای ترکیب مبانی فقهی (امام خمینی، ۱۳۸۵؛ صدر، ۱۳۸۹) و استانداردهای بین‌المللی نظارتی(هیئت خدمات مالی اسلامی[2]، ۲۰۱۷) شکل گرفته و تلاش می‌کند مسیر گذار از اصول هنجاری به سنجه‌های عملیاتی را روشن سازد.

1 Kuyateh
2 Islamic Financial Services Board (IFSB)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

در این چارچوب، چهار مقوله‌ی بنیادین به‌عنوان ابعاد نظری کلیدی در نظر گرفته می‌شوند که در تعامل با یکدیگر بستر طراحی شاخص را فراهم می‌کنند:

۱. انواع ربا (قرضی و معاملی) به‌منزله‌ی مبنای فقهی که چارچوب تعریف شاخص‌ها و حدود شرعی را تعیین می‌کند؛
۲. حیله‌های ربوی (صوری، تغییر عنوان، ترکیبی) به‌عنوان مصادیق اجرایی که زمینهٔ شناسایی شاخص‌های عملیاتی و نقاط آسیب در محصولات و قراردادها را فراهم می‌آورد؛
۳. ضرورت طراحی شاخص‌های شناسایی ریسک‌های ربوی به‌منزله‌ی نیاز روش‌شناختی به ابزارهای کمی و کیفی برای پایش مستمر انطباق؛
۴. نقش پول (ساختارهای پولی و اعتباری) به‌عنوان شرط اقتصادی–نهادی مؤثر بر بروز یا پیشگیری از وضعیت‌های ربوی.

بدین‌ترتیب، مدل مفهومی پیشنهادی پیوندی روشن میان مبانی نظری و متغیرهای نهایی پژوهش برقرار می‌کند: مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی که در مرحله‌ی تحلیل محتوا استخراج می‌شوند، در گام بعد با روش بهترین–بدترین (BWM) وزن‌دهی شده و به شاخص‌های کمی قابل سنجش تبدیل می‌گردند. در نتیجه، چارچوب نظری حاضر مسیر گذار از مبانی فقهی به شاخص‌های کمی را مشخص کرده و به‌عنوان نقشه‌ی مفهومی برای طراحی مدل ارزیابی ربا در بانکداری اسلامی عمل می‌نماید؛ مدلی که هم‌زمان با حفظ انطباق شرعی، قابلیت کاربست در نظارت، رتبه‌بندی و بهبود سیاست‌ها و محصولات بانکی را داراست.

۱-۶. پیشینه پژوهش

ربا به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در نظام فقهی و اقتصادی اسلام، همواره موضوع بررسی‌های متعدد پژوهشی بوده است. این مطالعات به‌طور ویژه بر درک عمیق‌تر ماهیت ربا، دلایل تحریم آن و چگونگی اجتناب از این پدیده در نظام‌های مالی و بانکی اسلامی متمرکز بوده‌اند. همچنین، تلاش‌های بسیاری برای تدوین شاخص‌ها و ابزارهایی جهت ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی در اجتناب از ربا صورت گرفته است. مرور این پژوهش‌ها نشان‌دهنده وجود تنوع رویکردها و دیدگاه‌ها در تحلیل و سنجش ربا است، اما همچنان خلأهایی در زمینه طراحی شاخص‌های جامع و کاربردی برای مدیریت ریسک‌های ربوی در نظام بانکداری اسلامی مشاهده می‌شود.

اسدی و همکاران (۱۴۰۰) به معرفی شاخص‌های جامعی برای ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی در اجتناب از ربا پرداخته‌اند. آن‌ها بر اساس تحلیل‌های فقهی امام خمینی (ره)، مجموعه‌ای از شاخص‌ها را تدوین کردند که می‌تواند میزان انطباق فعالیت‌های بانکی با اصول فقهی و اهداف اقتصاد اسلامی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

را سنجش کند. اگرچه این شاخص‌ها به ارزیابی عملکرد کمک می‌کنند، اما عمدتاً بر معیارهای سنتی و مفهومی تمرکز داشته و کمتر به ریسک‌های عملیاتی و سیستمی بانک‌ها در مواجهه با پدیده ربا پرداخته‌اند.

عسگری آرانی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی ایران و مصر پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بانک‌های اسلامی در هر دو کشور با چالش‌هایی در تطبیق کامل عملیات خود با اصول فقهی مواجه‌اند. این مطالعه به این نتیجه رسید که نبود شاخص‌های جامع و کاربردی برای ارزیابی انطباق عملیات بانکی با اصول شرعی، باعث ایجاد فاصله بین نظریه و عمل در بانکداری اسلامی شده است. اگرچه برخی از شاخص‌ها برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها تدوین شده‌اند، اما نبود شاخص‌های دقیق برای مدیریت ریسک‌های ربوی یک خلأ مهم در این حوزه به شمار می‌رود.

نظرپور و همکاران (۱۳۹۳) به تدوین شاخص‌های تجربی و دقیق برای سنجش فعالیت بانک‌های فاقد ربا پرداخته‌اند. این پژوهش بر ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی از منظر انطباق با اصول شرعی تمرکز دارد و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که این شاخص‌ها می‌توانند به شفافیت بیشتر فعالیت‌های بانکی و بهبود انطباق با اصول اسلامی کمک کنند. با این حال، این مطالعه به‌طور عمده به شاخص‌های ارزیابی عملکرد پرداخته و کمتر به مدیریت ریسک‌های سیستماتیک و عملیاتی مرتبط با ربا در بانکداری پرداخته است.

احمدوند و توحیدی (۱۳۹۴) به تحلیل نقش ظلم در فرایند ربا و اهمیت تدوین شاخص‌هایی برای سنجش و مدیریت ریسک‌های ربوی پرداخته‌اند. این پژوهش به این نکته اشاره می‌کند که ربا نه‌تنها از منظر فقهی به‌عنوان ظلم اقتصادی محسوب می‌شود، بلکه اثرات مخربی بر توزیع عادلانه منابع مالی و کاهش عدالت اقتصادی دارد. بر این اساس، این پژوهش بر ضرورت طراحی شاخص‌هایی تأکید می‌کند که بتوانند معاملات ربوی را شناسایی کرده و به ارزیابی ریسک‌های ناشی از این معاملات بپردازند. اگرچه این مطالعه بر مدیریت ریسک‌های ربوی تأکید دارد، اما جزئیات کمی در خصوص چگونگی پیاده‌سازی این شاخص‌ها در بانکداری اسلامی ارائه داده است.

عسکری و همکاران (۱۳۹۹) بر جنبه‌های مدیریت ریسک ربا تمرکز کرده و شاخص‌های نوینی را برای مدیریت این ریسک‌ها در بانکداری اسلامی پیشنهاد کرده‌اند. این پژوهش ربا را به‌عنوان عاملی معرفی می‌کند که می‌تواند توزیع ریسک را در سیستم‌های مالی مختل کند. از این رو، این مطالعه به طراحی شاخص‌هایی می‌پردازد که به بانک‌ها در شناسایی و مدیریت ریسک‌های ربوی کمک می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که شاخص‌های موجود در سیستم بانکداری اسلامی تاکنون قادر به پوشش جامع ریسک‌های مرتبط با ربا نبوده‌اند و نیاز به ابزارهای دقیق‌تری برای شناسایی و ارزیابی این ریسک‌ها وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

موسویان و میسمی (۱۳۹۳) با نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه ربا، به تحلیل پیچیدگی‌های تفسیری و فقهی مرتبط با این موضوع پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که اختلاف نظرهای فقهی در مورد ماهیت ربا و کاربرد آن در نظام بانکی می‌تواند طراحی شاخص‌های عملیاتی و جامع برای بانکداری اسلامی را تحت‌تأثیر قرار دهد. به‌خصوص، تفاوت در برداشت‌های فقهی از انواع ربا و نحوه انطباق آن‌ها با معاملات مدرن، نیاز به بازنگری در شاخص‌های موجود را ضروری می‌سازد.

احمدوند و توحیدی (۱۳۹۵) به‌طور خاص به بررسی ظلم به‌عنوان یکی از علل اصلی تحریم ربا پرداخته و نشان داده‌اند که تفکیک بین قرض‌های مصرفی و تولیدی از دیدگاه فقهی اسلامی پذیرفتنی نیست. این مطالعه بر اهمیت تحلیل‌های فقهی برای تفسیر صحیح از ربا تأکید کرده و پیشنهاد می‌دهد که دیدگاه‌های فقهی باید در طراحی شاخص‌های مرتبط با بانکداری اسلامی به‌طور دقیق‌تری لحاظ شوند. با این حال، مطالعه به‌طور جزئی به موضوع طراحی شاخص‌ها نپرداخته و بیشتر بر جنبه‌های مفهومی و فقهی متمرکز بوده است.

هاراهاپ و ریسفندی[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی درک مسلمانان از ربا و تأثیر مشارکت آن‌ها در سازمان‌های اسلامی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان داده است که درک عمومی مسلمانان از ربا به‌عنوان یک پدیده تحریمی در بانکداری اسلامی، با توجه به آموزش‌های مذهبی و فرهنگی شکل می‌گیرد. یافته‌های این مطالعه اهمیت مشارکت گسترده‌تر بانک‌ها و سازمان‌های اسلامی در ترویج آگاهی عمومی در مورد ربا و اثرات آن را برجسته می‌کند. این امر می‌تواند به توسعه شاخص‌های بهتری برای مدیریت ریسک ربا کمک کند.

نقدی دورباطی و همکاران (۱۳۹۵) به تحلیل استثنائات مختلف ربا در فقه اسلامی پرداخته و به بررسی چالش‌هایی پرداخته‌اند که این استثنائات در اعمال اصول فقهی در عملیات بانکی ایجاد می‌کنند. پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که برخی از این استثنائات در نگاه اول ممکن است پذیرفتنی به‌نظر برسند، اما با تحلیل دقیق‌تر فقهی و تطبیق آن‌ها با اصول شریعت، ضرورت بازنگری و شفاف‌سازی در برخی موارد آشکار می‌شود. این پژوهش نیز بر اهمیت تدوین شاخص‌هایی تأکید دارد که بتوانند این استثنائات را به‌طور دقیق مدیریت و ارزیابی کنند.

علاوه بر مطالعات داخلی، ادبیات بین‌المللی نیز به‌صورت نظام‌مند به توسعه چارچوب‌های شاخص‌گذاری و مدل‌سازی ریسک در بانکداری اسلامی پرداخته است. در این میان، زاهر و حسن[2] (۲۰۰۱) با اتکا به مرور منظم ادبیات، ضرورت سنجش‌پذیر کردن مفاهیم شرعی و ترجمه آن‌ها به شاخص‌های عملیاتی قابل ارزیابی را برجسته ساخته و به‌طور خاص بر پر کردن شکاف میان «توصیف نظری» و «ارزیابی کمّی» تأکید دارند. در امتداد همین رویکرد، اقبال و میراخور[3] (۲۰۱۱) با تبیین

1 Harahap & Risfandy
2 Zaher & Hassan
3 Iqbal & Mirakhor

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

مبانی و منطق عقود اسلامی، بر طراحی ابزارهای سنجش ریسک متناسب با ساختارهای مشارکت، مضاربه و مرابحه پافشاری کرده و سازگاری سنجه‌ها با ماهیت اشتراک ریسک در عقود اسلامی را پیش‌شرط اعتبار ارزیابی‌ها می‌دانند.

از منظر استانداردگذاری و نظارت احتیاطی، مجموعه اسناد هیئت خدمات مالی اسلامی (۲۰۱۷) در حوزه‌هایی چون اصول نظارت، کفایت سرمایه و ریسک شرعی، بانک‌ها و نهادهای ناظر را به توسعه شاخص‌های انطباق شرعی و استقرار سازوکارهای افشا و گزارش‌دهی فرا می‌خواند. در همین راستا، بانک توسعه اسلامی[1] (۲۰۱۵) و گزارش‌های مؤسسه تحقیقات و آموزش اسلامی بانک توسعه اسلامی از جمله آثار خان و احمد[2] (۲۰۰۱) بر چارچوب‌های جامع مدیریت ریسک در صنعت مالی اسلامی و تدوین نُرم‌های اندازه‌گیری ریسک ویژه عقود تأکید می‌کنند تا ارزیابی‌ها از سطح کیفی فراتر رفته و قابلیت پایش کمی بیابند.

از حیث سنجه‌های کمی سلامت و ریسک، آثار ده‌گرونینگ و اقبال[3] (۲۰۰۸) و نیز آرچر و عبدالکریم[4] (۲۰۰۹) بر ترجمه مفاهیم شرعی به نسبت‌ها و شاخص‌های قابل محاسبه و همسوسازی آن‌ها با الزامات راهبری شرکتی و استانداردهای حسابداری اسلامی تصریح دارند؛ بدین معنا که سنجش انطباق شرعی باید در قالب شاخص‌های کمی معتبر و قابل مقایسه متجلی شود. در سطح کلان عدالت و پایداری، نوشته‌های چپرا[5] (۲۰۰۸) پیوند پرهیز از ربا، توزیع عادلانه ریسک و ثبات مالی را تبیین کرده و بر سنجش‌پذیر کردن عدالت قراردادی در نظام بانکی اسلامی به‌منزله پیش‌شرط پایداری و اعتماد عمومی تأکید می‌ورزد.

بررسی پیشینه موجود نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از مطالعات داخلی و خارجی در حوزه ربا در بانکداری اسلامی عمدتاً ماهیتی توصیفی و مفهومی داشته‌اند و بیشتر بر تبیین مبانی فقهی و پیامدهای اقتصادی آن تمرکز کرده‌اند (مانند احمدوند و توحیدی، ۱۳۹۴؛ عسکری و همکاران، ۱۳۹۹؛ موسویان و میسمی، ۱۳۹۳). این رویکرد اگرچه در تبیین فلسفه تحریم ربا و ترسیم ضرورت اجتناب از آن ارزشمند بوده است، اما به ندرت توانسته است سازوکاری عملیاتی و سنجش‌پذیر برای شناسایی و مدیریت ریسک‌های ربوی در نظام بانکی ارائه دهد.

نوآوری پژوهش حاضر در عبور از سطح توصیف نظری به سطح عملیاتی و کمی است. بدین معنا که با بهره‌گیری هم‌زمان از تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های خبرگان و روش تصمیم‌گیری چندمعیاره «بهترین–بدترین»، نه تنها مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص ربا شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند، بلکه وزن‌دهی دقیق و حداقل امتیاز قابل‌قبول برای هر مؤلفه نیز تعیین گردیده است. این امر پژوهش

1 Islamic Development Bank (IsDB)
2 Khan & Ahmed
3 De Grauwe & Iqbal
4 Archer & Abdel Karim
5 Chapra

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

حاضر را از تلاش‌های پیشین که صرفاً به طراحی شاخص‌ها یا تشریح ریسک‌ها محدود بوده‌اند، متمایز می‌سازد.

از سوی دیگر، اتکای این پژوهش به اسناد و چارچوب‌های بین‌المللی معتبر همچون «اصول نظارت احتیاطی و ریسک شرعی» هیئت خدمات مالی اسلامی (۲۰۱۷) و گزارش‌های بانک توسعه اسلامی (۲۰۱۵) موجب شده است یافته‌ها نه تنها در سطح داخلی، بلکه در سطح نظام بانکی جهانی نیز قابلیت انطباق و کاربست نظارتی داشته باشند. به بیان دیگر، پژوهش حاضر درصدد پر کردن شکافی است که ادبیات علمی چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی به آن اشاره کرده‌اند، اما کمتر به شکل مدل شاخص‌پذیر، کمی و حدآستانه پیاده‌سازی کرده‌اند.

بنابراین، خلأ اصلی پژوهش‌های گذشته در فقدان چارچوب‌های عملیاتی و ابزارهای سنجش‌پذیر برای مدیریت ریسک‌های ربوی است؛ پژوهش حاضر با ارائه یک مدل شاخصی وزنی و آستانه‌ای، گامی اساسی در جهت پیوند میان مبانی فقهی و ابزارهای کمی ارزیابی در بانکداری اسلامی برداشته است. این تمایز، ظرفیت پژوهش حاضر را برای استفاده در سیاست‌گذاری، نظارت بانکی و طراحی محصولات مالی اسلامی دوچندان می‌سازد.

۲. سؤالات پژوهش

پس از بررسی مبانی نظری موجود و مطالعات انجام شده، پرسش‌های پژوهش به‌صورت زیر طراحی شده است:

- ✓ مهم‌ترین مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با ربا در بانکداری اسلامی، بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها کدام‌اند؟
- ✓ ضریب اهمیت و اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص ربا در بانکداری به چه صورت است؟
- ✓ حداقل میزان قابل‌قبول شاخص ربا در بانکداری اسلامی به چه صورت است؟

۳. روش پژوهش

در این بخش مدل پیاز تحقیق ساندرز و همکاران (۲۰۱۶) مبنا قرار گرفته است. بر اساس این مدل، تحقیق از لایه‌های مختلف که در آن هر لایه متأثر از لایهٔ بالاتر شکل‌گرفته است. این لایه‌ها عبارت‌اند از:

۱. مبانی فلسفی تحقیق، ۲. رویکرد تحقیق، ۳. روش‌شناسی تحقیق، ۴. استراتژی تحقیق، ۵. انتخاب روش، ۶. افق زمانی تحقیق و ۷. تکنیک‌ها و رویه‌ها (شیوه گردآوری و تحلیل داده‌های تحقیق).

این پژوهش در دوفاز ذیل طراحی شده است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

فاز اول: با استفاده از روش تحلیل محتوا به شناسایی و استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص ربا در بانکداری اسلامی، با استفاده از ترکیب ابزار مصاحبه و گروه کانونی با خبرگان پرداخته شده است.

فاز دوم: در این فاز با استفاده از روش بهترین – بدترین (BWM)، معیارهای استخراجی از فاز دوم تحقیق اولویت‌بندی می‌شوند.

جدول ۱: تشریح فازهای پژوهش

فازهای پژوهش	اهداف هر فاز	روش/ ابزار مورداستفاده	روش گردآوری	هدف
فاز اول	شناسایی و استخراج مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و معیارهای کمی اصلی ربا در بانکداری اسلامی	تحلیل محتوا	مصاحبه و گروه کانونی	توسعه‌ای
فاز دوم	تعیین ضریب اهمیت، اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی و تعیین حداقل میزان قابل‌قبول شاخص ربا در بانکداری اسلامی	روش بهترین - بدترین	پیمایش و پرسشنامه	کاربردی

۳-۱. تحلیل محتوا

کرپندورف تحلیل محتوا را به‌عنوان یک استراتژی در پژوهش معرفی می‌کند که برای استخراج مفاهیمی که به طور مکرر و با اعتبار از متن‌ها به دست می‌آیند، استفاده می‌شود و شامل به‌کارگیری روش‌های علمی خاص برای تحلیل داده‌ها است. این روش باهدف افزایش دانش، فراهم‌آوردن بینش‌های تازه، ارائه تصویری دقیق از واقعیات و ارائه مشاوره برای اقدامات مشخص شده است (کریپندورف، ۱۳۸۸، ص. ۲۵-۲۶). هسیه و شانون [1] (۲۰۰۵) نیز تحلیل محتوا را به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی و یک ابزار انعطاف‌پذیر برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های متنی توصیف می‌کنند که دامنه‌ای از رویکردهای تحلیلی را از تحلیل‌های مبتنی بر احساس، شهود و تفسیر تا رویکردهای دقیق و سازمان‌یافته متنی در بر می‌گیرد. در این پژوهش، تحلیل محتوای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و کاربرد روش‌های گروه کانونی به‌دقت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند (هسیه و شانون، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۷۷). در این پژوهش، گروه هدف را افراد دارای تخصص و دانش عمیق در حوزه بانکداری اسلامی تشکیل می‌دهند که از کارشناسان داخلی بانک‌ها گرفته تا اعضای بخش آموزش عالی که به نحوی با صنعت بانکداری اسلامی در ارتباط هستند، را شامل می‌شود. انتخاب نمونه بر اساس استانداردهای مشخصی،

1 Hsieh & Shannon

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

از جمله داشتن سابقه کاری یا دانشگاهی حداقل پنج سال در بخش بانکداری یا اقتصاد اسلامی صورت‌گرفته است حجم نمونه در این پژوهش کیفی بر اساس اصل اشباع نظری تعیین شده که به نقطه‌ای اشاره دارد که در آن داده‌های جدید دیگر به افزایش یا تعمیق بیشتر دسته‌بندی‌ها کمکی نمی‌کند، همان‌طور که گلیزر و اشتراوس (۱۹۹۶) اشاره کرده‌اند. در این مطالعه، اشباع نظری به‌صورت عملیاتی از طریق مقایسه روند مصاحبه‌ها ارزیابی شد؛ به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه با نفر بیستم، مقوله‌های اصلی تکرار شده و مفاهیم جدیدی به دست نیامد. مصاحبه‌های ۲۱ تا ۲۴ نیز برای اطمینان از ثبات کدها انجام شد و نشان داد که فراوانی و محتوای کدهای استخراج‌شده تغییر معناداری ندارد. این شواهد آماری مؤید دستیابی به اشباع نظری در این پژوهش است.پژوهش در این نقطه متوقف نمی‌شود، بلکه تحلیل به سمت دسته‌بندی‌های دیگری می‌رود تا آنها نیز به اشباع کامل برسند (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۹۶، ص. ۳۰).

جدول ۲: نمونه آماری مصاحبه‌شوندگان (جنسیت)

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۹	۷۹
زن	۵	۲۱
مجموع	۲۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری شامل ۲۴ نفر از متخصصان حوزه بانکداری اسلامی است که به‌صورت هدفمند و با توجه به معیارهای تخصصی انتخاب شده‌اند. از این تعداد، ۷۹ درصد مرد و ۲۱ درصد زن هستند. اکثریت شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارند و ۵۴ درصد آن‌ها دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۱۵ سال در حوزه بانکداری اسلامی هستند. همچنین، بیشترین سطح تحصیلات مربوط به کارشناسی‌ارشد است. این نمونه آماری به‌منظور دستیابی به اشباع نظری و بررسی دقیق مؤلفه‌های ربا در بانکداری اسلامی انتخاب شده است. یافته‌های حاصل از بررسی مصاحبه‌ها نشان داد که با گذشت از مصاحبه بیستم، تکرارپذیری مقولات به‌صورت معنادار افزایش یافته و هیچ طبقه جدیدی شکل نگرفته است؛ بنابراین، انتخاب چهار مصاحبه تکمیلی بیشتر صرفاً جهت تأیید و تثبیت مقولات موجود انجام شد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

جدول ۳: نمونه آماری مصاحبه‌شوندگان (سابقه کار)

سابقه کار	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵ سال	۲	۸
۵ تا ۱۰ سال	۷	۲۹
۱۰ تا ۱۵ سال	۱۳	۵۴
بیشتر از ۱۵ سال	۱۲	۸
مجموع	۲۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، تمرکز بر کاوش عمیق در مصاحبه‌ها بوده است، لذا متن مصاحبه‌ها مکرر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در فرایند کدگذاری باز، هنگام مطالعه مصاحبه‌ها، انواع مشاهدات و یادداشت‌هایی روی آن‌ها انجام شده است. این یادداشت‌ها به‌دفعات مختلف مرور شده و بر اساس نیاز، دسته‌بندی‌ها و عناوین تعریف شده است تا تمامی جوانب محتوایی را پوشش دهند. کدهای ابتدایی به طور مداوم بازبینی شده و در این فاز، مقوله‌های پژوهش شکل‌گرفته است (الو و کینگاس[1]، ۲۰۰۸).

پس از اتمام فرایند کدگذاری باز و شناسایی مقوله‌ها، مرحله دسته‌بندی مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها آغاز می‌شود. این دسته‌بندی به‌منظور سازماندهی و ساده‌سازی داده‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های بین مقوله‌ها انجام می‌گیرد که به نوبه خود به دستیابی به درک عمیق‌تری از مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص ربا در بانکداری اسلامی کمک می‌کند. این دسته‌بندی امکان تحلیل دقیق‌تر و فراگیرتری را فراهم می‌آورد و هدف نهایی آن شناسایی و تحلیل عمیق مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی مرتبط با شاخص ربا در چارچوب بانکداری اسلامی است. این فرایند نه‌تنها به درک جامع‌تری از ساختار و عملکرد این شاخص‌ها منجر می‌شود؛ بلکه زمینه‌ساز توسعه رویکردهای نوآورانه در بهبود این شاخص‌ها نیز می‌گردد.

۲-۳. روش بهترین – بدترین (BWM)

روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین - بدترین (BWM)که توسط رضایی (۲۰۱۵) معرفی شد، ابزاری است که برای انتخاب ایده‌آل‌ترین گزینه میان گزینه‌های متعدد باتوجه‌به شاخص‌های متفاوت به کار می‌رود. این روش، توسط متخصصین به منظور تعیین و مقایسه بهترین و بدترین شاخص‌ها و سپس ارزیابی زوجی آن‌ها با دیگر شاخص‌ها به‌کار گرفته می‌شود. ویژگی‌های قابل‌توجه این روش

1 Elo & Kyngäs

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

نسبت به دیگر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره شامل نیاز کمتر به داده‌های مستقیم و ارائه نتایج دقیق‌تر می‌باشد. روش بهترین - بدترین (BWM) به دلیل ساختار ساده و منطقی، فرایند تصمیم‌گیری را ساده‌تر می‌کند، دقت بالایی در تعیین روابط و ترجیحات بین شاخص‌ها دارد و قابل‌ترکیب با سایر روش‌های تصمیم‌گیری است. این روش در تخصیص وزن به شاخص‌ها برای منعکس‌کردن دقیق دیدگاه‌ها و اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان بسیار مؤثر است. استفاده از این روش به دلیل کاهش پیچیدگی و افزایش دقت در تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، ارزشمند است. در این پژوهش، به‌منظور طراحی شاخص ربا در بانکداری اسلامی، دو فاز اساسی تعریف شده است که به استخراج و اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های کلیدی می‌پردازد. در فاز اول، از مصاحبه‌های کیفی بهره گرفته شده تا مقوله‌های اصلی موردنظر استخراج گردند. این داده‌ها از طریق بررسی مصاحبه‌ها و گفتگو با خبرگان در حوزه بانکداری اسلامی جمع‌آوری شده‌اند که به فهم عمیق‌تری از ابعاد مختلف قرض‌الحسنه منجر می‌شود.

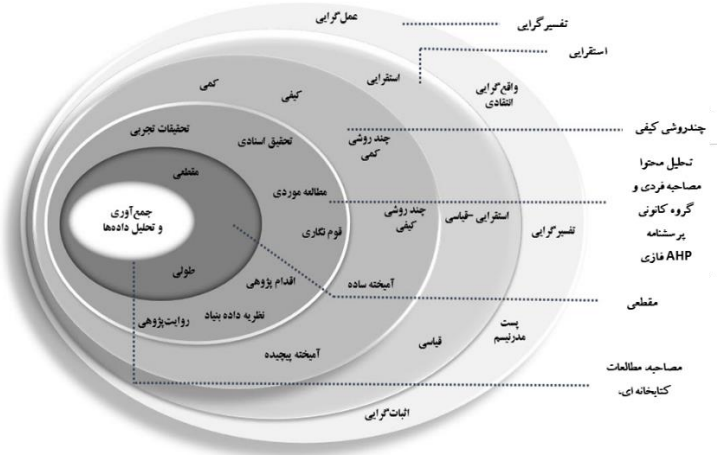
فاز دوم، به اولویت‌بندی مقوله‌های شناسایی شده اختصاص‌یافته است که با استفاده از پرسشنامه و رویکردهای ارزیابی مشارکتی انجام شده است. این فاز بر اساس چهار شیوه گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی توسط (کرسول و کرسول[1]، ۲۰۱۷، ص. ۲۱۸) مورد استفاده قرار گرفته و این امکان را فراهم کرده است تا وزن و اهمیت نسبی هر یک از مقوله‌ها را در شاخص کلی ربا مشخص گردد. این اولویت‌بندی به طراحی شاخصی منجر می‌شود که نه‌تنها ابعاد نظری و عملیاتی شاخص ربا را در بر می‌گیرد، بلکه نظرات و ترجیحات خبرگان را نیز منعکس می‌کند. به‌منظور جمع‌بندی و درک بهتر روش‌شناسی این پژوهش، لایه‌های کلی آن بر اساس پیاز پژوهش ساندرز و همکاران (۲۰۱۶) ارائه شده است.

در این مرحله، پرسشنامه‌ی روش بهترین–بدترین بر مبنای مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج‌شده تدوین شد؛ به این صورت که از پاسخ‌دهندگان خواسته شد «بهترین» و «بدترین» معیار را تعیین کنند و سپس بردارهای ترجیح زوجی بهترین‌به‌سایر و سایربه‌بدترین را تکمیل نمایند (رضایی، ۲۰۱۵). برای سنجش «روایی محتوایی»، پرسشنامه به تأیید هیئت ۷ نفره خبرگان (۳ عضو هیئت‌علمی و ۴ کارشناس ارشد صنعت بانکداری اسلامی) رسید و «نسبت روایی محتوا[2]» با فرمول لاوشه[3] محاسبه شد؛ تمامی گویه‌ها بالاتر از حدّ بحرانی جدول لاوشه بودند (لاوشه، ۱۹۷۵). همچنین «شاخص روایی محتوا[4]» در سطح آیتم/مقیاس طبق روش والتز و باسل[5] برآورد گردید و برای همه

1 Creswell & Creswell
2 CVR
3 Lawshe
4 CVI
5 Waltz & Bausell

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

آیتم‌ها مقادیر شاخص روایی محتوا کمتر از۰,۷۹ به‌دست آمد (والتز و باسل، ۱۹۸۱). برای «پایایی»، نرخ ناسازگاری و «ضریب ناسازگاری[1]» مدل بهینه‌سازی روش بهترین–بدترین برای هر خبره محاسبه شد که در تمامی پرسشنامه‌ها ضریب ناسازگاری کمتر از ۰,۱۰ گزارش گردید (رضایی، ۲۰۱۵). افزون بر این، بازآزمایی دوسویه با فاصله‌ی دو هفته روی زیرنمونه‌ی ۱۰ نفره از خبرگان انجام شد و ضریب همبستگی به‌دست‌آمده بزرگتر از ۰,۸۵ مؤید ثبات زمانی پاسخ‌ها و کفایت پایایی ابزار بود (کرسول و کرسول، ۲۰۱۷).



تصویر ۱: شمای کلی روش‌شناسی پژوهش، منبع: ساندرز و همکاران (۲۰۱۶)

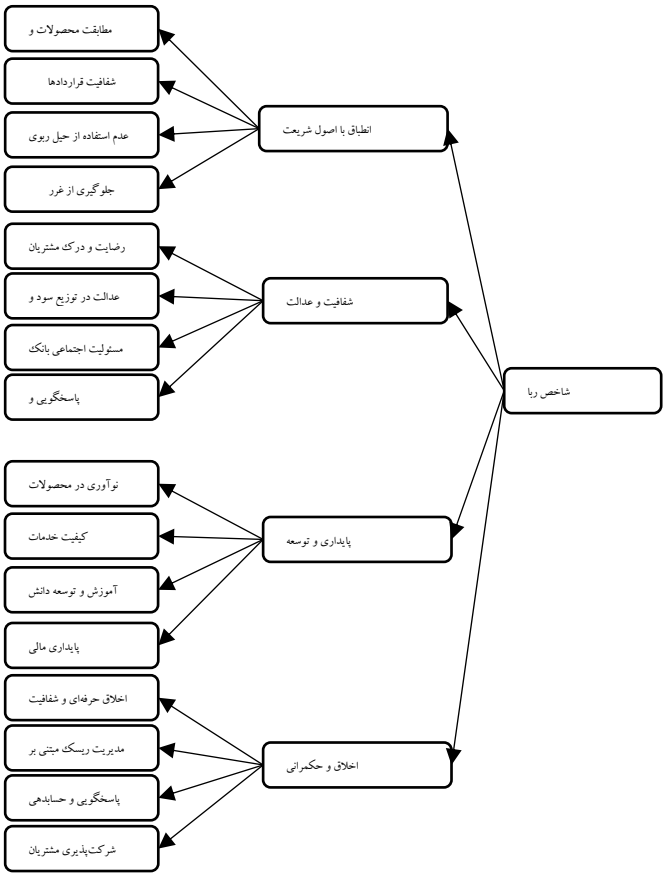
۴. تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

ابتدا در این بخش مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی ربا در بانکداری اسلامی با استفاده از روش تحلیل محتوای مصاحبه‌ها ارائه شده است سپس معیارهای استخراج شده است؛ پس از آن مقوله‌های استخراج شده در گام پیشین پژوهش باتوجه‌به نظر خبرگان و با ابزار پرسشنامه و استفاده از روش بهترین - بدترین اولویت‌بندی شده است. در این مطالعه پس از پایان‌یافتن ۱۷ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد بااین‌حال ۲۴ نفر از متخصصان حوزه بانکداری اسلامی به‌منظور حصول اطمینان از کفایت و مربوط بودن مؤلفه‌ها، مصاحبه‌ها ادامه یافت نمونه به‌صورت هدفمند و باتوجه‌به معیارهای مشخص انتخاب شده است در روند جلسات مصاحبه با هدایت محقق به‌عنوان تسهیل گر شاخص‌های استخراجی پرداخته شد بررسی مصاحبه و پژوهش‌های انجام شده توسط نمونه و کدگذاری اولیه این داده‌ها منتج به استخراج کد خام شده است. طبقه‌بندی کدهای خام به‌دست‌آمده تحت چهار مقوله

1 CR

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

استخراج شده است. در ادامه کلیه مقوله‌ها و زیر مقوله‌های استخراج شده به تفکیک هر یک از طبقات ارائه شده است لازم به ذکر است این مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها ابتدا از تحلیل محتوا استخراج شده است. این مرحله نشان می‌دهد که پژوهش فراتر از یک فهرست‌برداری صرف از مفاهیم حرکت کرده و به دنبال سازمان‌دهی نظام‌مند داده‌هاست. استخراج مقوله‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و گروه‌های کانونی و سپس اعتبارسنجی آن‌ها با استفاده از روش بهترین–بدترین، موجب شد تا مقوله‌های نهایی نه‌تنها بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های خبرگان باشند بلکه اولویت نسبی هر یک در پرهیز از ربا در نظام بانکی نیز به‌صورت کمی سنجش شود. همین ترکیب روش‌های کیفی و کمی نقطه قوت اصلی این پژوهش محسوب می‌شود و باعث می‌شود نتایج آن نسبت به بسیاری از مطالعات پیشین از جامعیت و دقت بیشتری برخوردار باشد.



تصویر ۲: شمای کلی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شناسایی شده (منبع: یافته‌های پژوهش)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

جدول ۴: تعریف مقوله‌ها و زیر مقوله‌های شاخص ربا

زیر مقوله	تعریف
مطابقت محصولات و خدمات	سنجش درصد محصولات بانکی که کاملاً با قوانین شریعت اسلامی همخوانی دارند.
شفافیت قراردادها	ارزیابی میزان وضوح و شفافیت مفاد قراردادهای بانکی بر اساس اصول شریعت.
عدم استفاده از حیل ربوی	تعیین تعداد مواردی که بانک از حیله‌های ربوی برای دورزدن ممنوعیت ربا استفاده می‌کند.
جلوگیری از غرر	سنجش میزان ریسک و ابهام در قراردادها که می‌تواند به ربا منجر شود.
رضایت و درک مشتریان	اندازه‌گیری میزان رضایت و درک مشتریان از شرایط قراردادی و ربوی نبودن آن‌ها.
عدالت در توزیع سود و زیان	بررسی نحوه توزیع سود و زیان در محصولات مشارکتی برای اطمینان از عدالت.
مسئولیت اجتماعی بانک	ارزیابی تأثیر اجتماعی عملیات بانک و اطمینان از پایبندی به اصول اخلاقی و ربوی نبودن آنها.
پاسخگویی و دسترس‌پذیری اطلاعات	سنجش میزان دسترس‌پذیری اطلاعات مرتبط با محصولات و خدمات بانکی و پاسخگویی بانک به سؤالات مشتریان در رابطه با ربوی نبودن معاملات.
نوآوری در محصولات مالی اسلامی	سنجش تعداد محصولات جدید که طبق اصول شریعت طراحی شده و ربوی نیستند.
کیفیت خدمات	ارزیابی سطح کیفیت خدمات بانک و رضایت مشتریان باتوجه‌به اصول شریعت و ربوی نبودن آنها.
آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی	اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری بانک در آموزش اصول مالی اسلامی به مشتریان و کارمندان برای جلوگیری از ربوی شدن عملیات.
پایداری مالی	بررسی استحکام و پایداری مالی بانک از منظر اصول شریعت و ربوی نبودن منابع و مصارف.
اخلاق حرفه‌ای و شفافیت در عملیات	ارزیابی پایبندی بانک به اصول اخلاقی و شفافیت عملیاتی با تمرکز بر ربوی نبودن فعالیت‌ها.
مدیریت ریسک مبتنی بر شریعت	سنجش چگونگی مدیریت ریسک‌ها بر اساس اصول شریعت و جلوگیری از ریسک‌های ربوی.
پاسخگویی و حسابدهی	ارزیابی مکانیزم‌های پاسخگویی بانک برای تضمین ربوی نبودن فعالیت‌ها و محصولات.
شرکت‌پذیری مشتریان	سنجش فرصت‌های مشارکت مشتریان در ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌های بانک باهدف ربوی نبودن عملیات.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

جدول ۵ چارچوب جامعی برای سنجش ابعاد کلیدی انطباق با ربا در بانکداری اسلامی ارائه می‌دهد. معیارهای شناسایی‌شده به ارزیابی جنبه‌های مختلف مانند تطابق محصولات و خدمات با قوانین شریعت، شفافیت قراردادها و تعهد بانک به پرهیز از استفاده از روش‌های ربوی می‌پردازد. برای اندازه‌گیری عملکرد، از شاخص‌های کمی مانند درصدها و میانگین امتیازات استفاده شده است. به‌عنوان‌مثال، «تطابق محصولات و خدمات با شریعت» از طریق درصد محصولات تأییدشده توسط کمیته نظارت شرعی ارزیابی می‌شود، درحالی‌که «شفافیت قراردادها» از طریق نظرسنجی از مشتریان و کارشناسان سنجیده می‌شود. همچنین، تعداد محصولات مالی جدید منطبق با شریعت برای ردیابی نوآوری‌ها در خدمات بانک مورد بررسی قرار می‌گیرد. رضایت مشتریان از طریق نظرسنجی و شفافیت عملیاتی بانک از طریق بررسی گزارش‌های سالانه سنجیده می‌شود. این چارچوب دیدگاهی جامع برای ارزیابی و مدیریت ریسک‌های ربوی در بانکداری اسلامی فراهم می‌آورد.

افزون بر این، مقایسه معیارهای کمی نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها بیشتر جنبه نظارتی و رسمی دارند (مانند درصد محصولات تأییدشده توسط هیئت شریعت)، در حالی‌که برخی دیگر مستقیماً به ادراک و تجربه مشتریان وابسته‌اند (مانند امتیاز شفافیت قراردادها یا میزان رضایت مشتریان). این تفاوت نشان می‌دهد که نظام بانکداری اسلامی نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر گزارش‌های رسمی مدعی پرهیز از ربا باشد، بلکه لازم است شاخص‌های مبتنی بر نظر و تجربه مشتریان نیز در اولویت قرار گیرند. در واقع، فاصله بین «انطباق صوری» و «ادراک واقعی مشتریان» یکی از مهم‌ترین خلأهایی است که این پژوهش قصد پر کردن آن را دارد.

همچنین، ورود معیارهایی مانند «نوآوری در محصولات مالی اسلامی» یا «آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی» نشان می‌دهد که شاخص طراحی‌شده تنها به وضعیت موجود اکتفا نمی‌کند، بلکه آینده‌نگر است و بانک‌ها را ملزم می‌سازد تا برای پیشگیری از بازتولید حیله‌های ربوی در قالب‌های جدید، سرمایه‌گذاری در آموزش و نوآوری داشته باشند. این موضوع یک نوآوری مهم نسبت به پژوهش‌های قبلی است که عمدتاً بر شاخص‌های ایستا و سنتی تمرکز داشتند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

جدول ۵: معیارهای کمی و روش اندازه‌گیری مقوله‌های شاخص ربا

مقوله	معیار کمی	روش اندازه‌گیری
مطابقت محصولات و خدمات	درصد محصولات و خدمات بانکی مطابق با قوانین شریعت	تعداد محصولات تأیید شده توسط هیئت شریعت / کل محصولات بانکی × ۱۰۰
شفافیت قراردادها	امتیاز شفافیت قراردادها بر اساس نظرسنجی	میانگین امتیاز شفافیت از نظرسنجی مشتریان و کارشناسان
عدم استفاده از حیل ربوی	تعداد موارد شناسایی شده از حیله‌های ربوی	ممیزی قراردادهای بانکی توسط هیئت شریعت
جلوگیری از غرر	درصد قراردادهای بدون ابهام	تعداد قراردادهای بدون ابهام / کل قراردادها × ۱۰۰
رضایت و درک مشتریان	امتیاز رضایت مشتریان از درک و شفافیت قراردادها	نظرسنجی از مشتریان با مقیاس ۱ تا ۵
عدالت در توزیع سود و زیان	درصد قراردادهای عادلانه در سود و زیان	تعداد قراردادهای عادلانه / کل قراردادهای مشارکتی × ۱۰۰
مسئولیت اجتماعی بانک	امتیاز عملکرد مسئولیت اجتماعی	نظرسنجی و بررسی گزارش‌های مسئولیت اجتماعی
پاسخگویی و دسترس‌پذیری اطلاعات	میانگین زمان پاسخ‌دهی به مشتریان	میانگین زمان پاسخگویی به درخواست‌های مشتریان
نوآوری در محصولات مالی اسلامی	تعداد محصولات مالی جدید منطبق با شریعت	شمارش تعداد محصولات جدید تأیید شده
کیفیت خدمات	امتیاز کلی کیفیت خدمات از نظر مشتریان	نظرسنجی از مشتریان با مقیاس ۱ تا ۵
آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی	بودجه اختصاص‌یافته برای آموزش اصول مالی اسلامی	مقدار بودجه اختصاص‌داده‌شده به آموزش
پایداری مالی	شاخص‌های مالی مرتبط با پایداری	نسبت کفایت سرمایه + نسبت نقدینگی / ۲
اخلاق حرفه‌ای و شفافیت در عملیات	تعداد گزارش‌های شفافیت و عملکرد اخلاقی	بررسی گزارش‌های سالانه شفافیت
مدیریت ریسک مبتنی بر شریعت	تعداد مکانیزم‌های مدیریت ریسک مطابق با شریعت	تعداد مکانیزم‌های تأیید شده توسط هیئت شریعت
پاسخگویی و حسابدهی	میانگین زمان پاسخ‌دهی به سؤالات و شکایات مشتریان	میانگین زمان پاسخگویی به سؤالات مشتریان
شرکت‌پذیری مشتریان	درصد مشارکت مشتریان در ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری	تعداد مشتریان شرکت‌کننده / کل مشتریان × ۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

در این پژوهش، شاخص ربا به‌صورت یک مدل ریاضی تعریف شده که با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{شاخص ربا} = \sum_{i=1}^{n} (s_i \times w_i)$$

s_i: امتیاز مربوط به هر زیر مقوله است.

w_i:ضریب اهمیت یا وزن نسبی هر زیر مقوله است.

n: تعداد زیرمقوله‌های شاخص است.

در تحلیل شاخص ربا در بانکداری اسلامی، وزن‌دهی به مقوله‌ها نشان‌دهنده اولویت و اهمیت نسبی آن‌ها در ارزیابی پایبندی به اصول شریعت و اجتناب از عناصر ربوی است. انطباق با اصول شریعت، با وزن نسبی ۰,۳۷، دومین اولویت را داراست که این موضوع بیانگر اهمیت بالای رعایت قوانین شریعت در تمامی عملیات و محصولات بانکی است. بالاترین اولویت به شفافیت و عدالت با وزن ۰,۴۹۵ اختصاص یافته است که تأکید بر اصل عدالت و شفافیت در معاملات و قراردادها دارد و برای ایجاد اعتماد و رضایت در بین مشتریان ضروری است. پایداری و توسعه، با وزن نسبی ۰,۰۶۹، و اخلاق و حکمرانی با وزن ۰,۰۶۴، به ترتیب سومین و چهارمین اولویت‌ها را دارند. این دو مقوله، گرچه کمترین وزن را دارند، اما نقش کلیدی در حفظ استانداردهای اخلاقی و توسعه پایدار محصولات مالی اسلامی ایفا می‌کنند. این ترتیب اولویت‌ها نشان دهنده تمرکز قوی بر اصول اسلامی و اخلاقی در بانکداری اسلامی است که اساس ارائه خدمات مالی عاری از ربا را تشکیل می‌دهد.

این نتایج نشان می‌دهد که نگاه خبرگان بیشتر به ابعاد عملی و عینی بانکداری اسلامی معطوف است؛ به عبارت دیگر، آن‌ها شفافیت و عدالت را مقدم بر سایر مقولات دانسته‌اند زیرا این دو بعد به‌طور مستقیم با تجربه مشتریان و اعتبار اجتماعی بانک‌ها گره خورده است. از منظر سیاست‌گذاری، این یافته بیانگر آن است که بانک‌ها باید اصلاح قراردادها و مکانیزم‌های توزیع سود و زیان را در صدر برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهند، چراکه ضعف در این حوزه‌ها بیش از هر عامل دیگری می‌تواند مشروعیت بانکداری اسلامی را خدشه‌دار سازد.

در مقایسه، وزن پایین‌تر مقولات «پایداری و توسعه» و «اخلاق و حکمرانی» به معنای بی‌اهمیت بودن آن‌ها نیست، بلکه نشان‌دهنده این است که خبرگان آن‌ها را به‌عنوان مقولات بلندمدت و زیرساختی تلقی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، کم‌توجهی به آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی (که وزن نهایی آن تنها ۰,۰۰۳ است) در کوتاه‌مدت شاید پیامد جدی ایجاد نکند، اما در بلندمدت باعث تداوم حیله‌های ربوی و بازتولید خطاهای گذشته خواهد شد. بنابراین بانک‌ها باید این یافته را به‌عنوان یک هشدار استراتژیک تلقی کنند و بودجه بیشتری به برنامه‌های آموزشی و توسعه دانش اختصاص دهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

نکته مهم دیگر آن است که وزن نهایی برخی زیرمقوله‌ها مانند «رضایت و درک مشتریان» (۰,۲۰۸) و «عدالت در توزیع سود و زیان» (۰,۱۶۱) به‌طور قابل توجهی بالاتر از سایرین است. این نشان می‌دهد که نگاه مشتری‌محور و اجرای واقعی عدالت، دو محور اصلی هستند که بدون آن‌ها هیچ شاخصی از ربا معتبر نخواهد بود. بنابراین توصیه می‌شود بانک‌ها سامانه‌های نظرسنجی مستمر از مشتریان طراحی کنند و سازوکارهایی برای انعکاس نتایج این نظرسنجی‌ها در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی ایجاد نمایند. به‌ویژه بانک مرکزی می‌تواند شاخص رضایت مشتریان را به‌عنوان یک معیار نظارتی در ارزیابی عملکرد بانک‌ها لحاظ کند.

از سوی دیگر، تعیین «حداقل امتیاز قابل‌قبول برای شاخص ربا» (۶۷,۳۴) یک نقطه عطف مهم محسوب می‌شود. این آستانه به‌عنوان خط قرمز عمل کرده و بانک‌هایی که زیر این سطح قرار گیرند، باید به‌طور خودکار مشمول اقدامات اصلاحی و نظارت‌های ویژه شوند. در عمل، این موضوع می‌تواند به طراحی نظام رتبه‌بندی بانک‌های اسلامی بر اساس میزان انطباق با شریعت منجر شود. چنین رویکردی هم به تقویت اعتماد عمومی می‌انجامد و هم ابزار نظارتی جدیدی در اختیار نهادهای سیاست‌گذار قرار می‌دهد.

جدول ۶: وزن مقوله‌های شاخص ربا

زیر مقوله	وزن نسبی زیر مقوله	اولویت نسبی زیر مقوله
انطباق با اصول شریعت	۰,۳۷	۲
شفافیت و عدالت	۰,۴۹۵	۱
پایداری و توسعه	۰,۰۶۹	۳
اخلاق و حکمرانی	۰,۰۶۴	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

جدول ۷: وزن مقوله‌ها و زیر مقوله‌های شاخص ربا

مقوله	زیر مقوله	حداقل امتیاز قابل‌قبول	وزن نسبی زیر مقوله	وزن نهایی	حداقل امتیاز وزین	اولویت نسبی زیر مقوله	اولویت نهایی
انطباق با اصول شریعت	مطابقت محصولات و خدمات	۶۹،۵۴	۰،۴۰۴	۰،۱۴۹	۱۰،۳۶	۱	۳
	شفافیت قراردادها	۶۵،۵	۰،۳۱	۰،۱۱۵	۷،۵۳	۲	۴
	عدم استفاده از حیل ربوی	۶۲،۲۱	۰،۲۳۱	۰،۰۸۵	۵،۲۹	۳	۶
	جلوگیری از غرر	۶۷،۰۸	۰،۰۵۲۹	۰،۰۲	۱،۳۴	۴	۱۲
شفافیت و عدالت	رضایت و درک مشتریان	۷۰،۷۱	۰،۴۲۱	۰،۲۰۸	۱۴،۷۱	۱	۱
	عدالت در توزیع سود و زیان	۶۸،۵	۰،۳۲۵	۰،۱۶۱	۱۱،۰۳	۲	۲
	مسئولیت اجتماعی بانک	۶۶،۰۴	۰،۲	۰،۰۹۹	۶،۵۴	۳	۵
	پاسخگویی و دسترس‌پذیری اطلاعات	۶۳،۵۸	۰،۰۵۳۳	۰،۰۲۶	۱،۶۵	۴	۹
پایداری و توسعه	نوآوری در محصولات مالی اسلامی	۶۵،۱۳	۰،۳۰۵	۰،۰۲۱	۱،۳۷	۲	۱۱
	کیفیت خدمات	۷۰،۰۸	۰،۲۶۲	۰،۰۱۸	۱،۲۶	۳	۱۳
	آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی	۶۵،۰۴	۰،۰۴۴	۰،۰۰۳	۰،۲	۴	۱۶
	پایداری مالی	۶۷،۸۳	۰،۳۸۶	۰،۰۲۷	۱،۸۳	۱	۸
اخلاق و حکمرانی	اخلاق حرفه‌ای و شفافیت در عملیات	۶۷،۸۳	۰،۳۶۷	۰،۰۲۳	۱،۵۶	۲	۱۰
	مدیریت ریسک مبتنی بر شریعت	۶۵،۱۷	۰،۰۸۱	۰،۰۰۵	۰،۳۳	۴	۱۵
	پاسخگویی و حسابدهی	۶۴،۳۸	۰،۱۰۸	۰،۰۰۷	۰،۴۵	۳	۱۴
	شرکت‌پذیری مشتریان	۶۷،۶۳	۰،۴۴۱	۰،۰۲۸	۱،۸۹	۱	۷
حداقل امتیاز قابل‌قبول برای شاخص					۶۷،۳۴		

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

تحلیل داده‌های مربوط به شاخص ربا در بانکداری اسلامی نشان‌دهنده بینش عمیقی در ارتباط با اولویت‌بندی و اهمیت نسبی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مختلف در انطباق با اصول شریعت است. این تحلیل تأکید می‌کند که رضایت و درک مشتریان با وزن نهایی ۰,۲۰۸ و اولویت نهایی ۱ و عدالت در توزیع سود و زیان با وزن نهایی ۰,۱۶۱ و اولویت نهایی ۲، از مهم‌ترین عناصر در جلوگیری از ربوی بودن عملیات بانکی هستند. این مقولات بر اهمیت شفافیت، عدالت و رضایت مشتریان در ایجاد یک محیط بانکی شفاف و عادلانه تأکید دارند.

مقوله «انطباق با اصول شریعت» که شامل زیرمقوله‌های مطابقت محصولات و خدمات با وزن نهایی ۰,۱۴۹ و اولویت نهایی ۳، شفافیت قراردادها با وزن نهایی ۰,۱۱۵ و اولویت نهایی ۴، عدم استفاده از حیل ربوی با وزن نهایی ۰,۰۸۵ و اولویت نهایی ۶، و جلوگیری از غرر با وزن نهایی ۰,۰۲۰ و اولویت نهایی ۱۲ است، بیانگر نیاز به‌دقت فراوان در طراحی محصولات و تدوین قراردادهایی است که هرگونه ابهام یا امکان سوءاستفاده را به حداقل برساند. در مقوله «پایداری و توسعه»، نوآوری در محصولات مالی اسلامی با وزن نهایی ۰,۰۲۱ و اولویت نهایی ۱۱، کیفیت خدمات با وزن نهایی ۰,۰۱۸ و اولویت نهایی ۱۳، آموزش و توسعه دانش مالی اسلامی با وزن نهایی ۰,۰۰۳ و اولویت نهایی ۱۶، و پایداری مالی با وزن نهایی ۰,۰۲۷ و اولویت نهایی ۸، نشان‌دهنده نیاز به تمرکز بر توسعه پایدار و ایجاد زیرساخت‌های آموزشی مؤثر است. «اخلاق و حکمرانی» با زیرمقوله‌هایی چون اخلاق حرفه‌ای و شفافیت در عملیات با وزن نهایی ۰,۰۲۳ و اولویت نهایی ۱۰، مدیریت ریسک مبتنی بر شریعت با وزن نهایی ۰,۰۰۵ و اولویت نهایی ۱۵، پاسخگویی و حسابدهی با وزن نهایی ۰,۰۰۷ و اولویت نهایی ۱۴ و شرکت‌پذیری مشتریان با وزن نهایی ۰,۰۲۸ و اولویت نهایی ۷، بر اهمیت حکمرانی خوب و پایبندی به اصول اخلاقی در عملیات بانکی تأکید دارد. این مقوله با نمایش دادن نقش کلیدی اخلاق و حکمرانی در جلوگیری از ربوی بودن، تأکید می‌کند که چگونه می‌توان با رعایت اصول شریعت، یک محیط بانکی پایدار و عادلانه را تضمین کرد.

با کمک پرسشنامه حداقل امتیاز قابل قبول برای هر شاخص به‌عنوان یک معیار کیفی تعیین می‌شود تا اطمینان حاصل شود که عملکرد بانکداری اسلامی در حوزه‌های مختلف مرتبط با ربا، به استانداردهای مورد انتظار و اصول شریعت نزدیک باشد. این امتیازها نشان‌دهنده سطحی از حداقل قابل‌پذیرش برای هر مقوله و زیرمقوله است که بر اساس آن، فعالیت‌های بانکی باید ارزیابی شوند. برای مثال، در شاخص «مطابقت محصولات و خدمات با شریعت»، حداقل امتیاز قابل‌قبول ۶۹,۵۴ تعیین شده است که نشان‌دهنده این است که محصولات بانکی باید به میزانی از انطباق با شریعت برسند که حداقل این امتیاز را کسب کنند. امتیازهای پایین‌تر از این سطح نشان‌دهنده وجود مشکلاتی در انطباق با اصول شریعت است که نیاز به اصلاح دارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

این حداقل امتیاز برای شاخص‌های دیگر مانند «شفافیت قراردادها» یا «عدالت در توزیع سود و زیان» نیز تعیین شده است، تا یک چارچوب قوی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها ارائه شود. هدف از تعیین این حداقل‌ها تضمین انطباق بانکداری با معیارهای شریعت و جلوگیری از هرگونه نقض اصولی مانند شفافیت، عدالت و اجتناب از ربا است که حداقل امتیاز قابل‌قبول برای شاخص ربا باتوجه‌به نظر خبرگان ۶۷,۳۴ تعیین شده است.

این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تمرکز بر اصول اخلاقی، شفافیت و عدالت و همچنین با ارتقاء دانش و پایداری مالی، به یک بانکداری اسلامی موفق و عاری از هرگونه ربوی بودن دست یافت. این یافته‌ها باید به‌عنوان رهنمود در طراحی سیاست‌ها و رویکردهای بانکی مدنظر قرار گیرند تا اطمینان حاصل شود که عملیات بانکی با اعتقادات و اصول اسلامی کاملاً همسو هستند. کلیدی‌ترین بخش‌های این تحلیل، اولویت‌بندی و وزن‌دهی دقیق به مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها است که نه‌تنها نشان‌دهنده اهمیت نسبی هریک در تضمین عدم ربوی بودن عملیات بانکی است، بلکه به بانک‌های اسلامی کمک می‌کند تا استراتژی‌ها و برنامه‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که بیشترین تأثیر مثبت را بر اصول و ارزش‌های اسلامی داشته باشند. این اولویت‌بندی همچنین می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب برای ارزیابی و بهبود مستمر عملکرد بانک‌ها در زمینه پایبندی به اصول شریعت و ارتقای استانداردهای اخلاقی و حکمرانی خوب عمل کند.

از منظر مقایسه‌ای، تفاوت این پژوهش با مطالعات قبلی در آن است که نه‌تنها مقوله‌ها را معرفی کرده بلکه برای نخستین بار وزن کمی و حداقل امتیاز قابل‌قبول برای هر زیرمقوله را نیز تعیین نموده است. این امر باعث می‌شود نتایج پژوهش از سطح کیفی و مفهومی فراتر رفته و قابلیت سنجش و ارزیابی عینی در نظام بانکی ایران را داشته باشد.

از منظر کاربردی، بانک‌ها می‌توانند این شاخص را به‌عنوان ابزار پایش داخلی به کار گیرند؛ به‌طور مثال، اگر بانک در شاخص رضایت مشتریان زیر امتیاز ۷۰ قرار بگیرد، باید الزاماً برنامه‌ای برای بازنگری قراردادها و فرآیندهای اطلاع‌رسانی تدوین کند. به همین ترتیب، اگر امتیاز شاخص عدالت در توزیع سود و زیان از حد تعیین‌شده پایین‌تر باشد، بانک مرکزی می‌تواند بانک مربوطه را ملزم به ارائه گزارش اصلاحی نماید. این پیوند مستقیم بین نتایج کمی و اقدامات سیاستی، همان خلأیی است که در ادبیات قبلی کمتر به آن پرداخته شده بود.

بنابراین، این پژوهش ضمن شناسایی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های کلیدی ربا، گامی عملی برای استانداردسازی ارزیابی بانک‌های اسلامی ارائه داده است؛ اقدامی که می‌تواند هم مبنای سیاست‌گذاری در سطح کلان باشد و هم ابزاری کاربردی در مدیریت داخلی بانک‌ها برای پیشگیری از ریسک‌های ربوی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۵. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مطالعه حاضر، ارزیابی دقیق و جامعی از شاخص مرتبط با ربا در بانکداری اسلامی را ارائه می‌دهد. با تمرکز بر روش تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان صنعت و استفاده از روش بهترین - بدترین (BWM) برای اولویت‌بندی مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها، این پژوهش تلاش کرده است تا یک تصویر کامل و چندوجهی از چگونگی مقابله با عناصر ربوی در محصولات و خدمات بانکی ارائه دهد.

مقوله‌ی «انطباق با اصول شریعت» به‌عنوان مقوله‌ای با بالاترین اولویت، نشان‌دهنده‌ی اهمیت بنیادین رعایت قوانین شریعت در کلیه‌ی فعالیت‌های بانکی است. مطابقت محصولات و خدمات با اصول شریعت نه‌تنها به تأمین نیازهای مالی مشتریان در چارچوب ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند، بلکه اعتماد و اطمینان آن‌ها را نیز به همراه دارد. این مسئله، به‌ویژه در محیط‌هایی که مشتریان به‌شدت به اصول اسلامی پایبند هستند، اهمیتی حیاتی دارد.

مقوله‌ی «شفافیت و عدالت» با بالاترین وزن نسبی ۰,۴۹۵ و به‌عنوان اولویت نخست، بر اهمیت شفافیت در قراردادها و عدالت در توزیع سود و زیان تأکید دارد. این مقوله بیانگر این است که رضایت و درک مشتریان از شرایط قراردادی و تأمین عدالت در مشارکت‌های مالی، از جمله پیش‌شرط‌های اساسی برای جلوگیری از ربا و حفظ انسجام اجتماعی در جوامع اسلامی است.

مقوله‌های «پایداری و توسعه» و «اخلاق و حکمرانی» نیز، گرچه با وزن‌های نسبتاً کمتر به ترتیب ۰,۰۶۹ و ۰,۰۶۴، و اولویت‌های ۳ و ۴، اما نقش مکملی در تأمین یک سیستم بانکداری اسلامی پایدار و عاری از ربا ایفا می‌کنند. تمرکز بر نوآوری و کیفیت خدمات در «پایداری و توسعه»، ضمن حفظ اصول شریعت، می‌تواند به توسعه بانکداری اسلامی کمک کند و آن را به‌عنوان یک گزینه‌ی مطلوب و اخلاقی در عرصه‌ی جهانی مطرح نماید. در همین راستا، «اخلاق و حکمرانی» با تأکید بر اخلاق حرفه‌ای، مدیریت ریسک مبتنی بر شریعت، پاسخگویی و حسابدهی و شرکت‌پذیری مشتریان، به تقویت بنیان‌های اخلاقی و حکمرانی خوب در سیستم بانکداری اسلامی کمک می‌کند.

در نهایت، این مطالعه با ایجاد یک شاخص جامع برای سنجش ربا در بانکداری اسلامی، بر اساس داده‌های تجربی و تحلیل دقیق مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها، بینش‌های ارزشمندی را در این زمینه ارائه می‌دهد. شاخص طراحی‌شده به‌طور خاص بر انطباق با اصول شریعت، شفافیت، و عدالت به‌عنوان اصول اساسی تأکید دارد و همراه با در نظر گرفتن پایداری و اخلاق حرفه‌ای، می‌تواند به‌عنوان یک راهنما برای طراحی سیاست‌ها و محصولات بانکی در راستای ترویج یک سیستم مالی اسلامی عاری از ربا و عادلانه عمل کند. این شاخص به سیاست‌گذاران، مدیران بانکی و پژوهشگران مالی اسلامی ابزاری ارزشمند ارائه می‌دهد.

در نتایج این پژوهش، حداقل امتیاز قابل‌قبول برای شاخص‌های مختلف تعیین شد تا به‌عنوان یک معیار استاندارد برای ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی در حوزه‌های مرتبط با ربا به کار گرفته شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

این امتیازها نشان‌دهنده سطح قابل‌پذیرش انطباق با اصول شریعت در زمینه‌هایی چون شفافیت قراردادها، عدالت در توزیع سود و زیان، و جلوگیری از حیل ربوی هستند. تعیین این حداقل‌ها، چارچوبی برای شناسایی نواقص و ارائه راهکارهای بهبود فراهم می‌آورد. نتایج حاکی از آن است که رعایت این معیارها می‌تواند به تقویت شفافیت و عدالت در بانکداری اسلامی کمک کند.

از منظر ادبیات نظری و پژوهش‌های مشابه، یافته‌های این پژوهش همسو با نتایج عسکری و همکاران (۱۳۹۹) است که بر ضرورت طراحی شاخص‌های نوین برای مدیریت ریسک ربوی تأکید داشتند، اما پژوهش حاضر یک گام فراتر رفته و علاوه بر شناسایی مقوله‌ها، وزن و حداقل امتیاز قابل‌قبول برای هر شاخص را نیز تعیین کرده است. همچنین نتایج با مطالعه احمدوند و توحیدی (۱۳۹۴) که ظلم را به‌عنوان پیامد ربا تحلیل کردند، سازگار است، ولی پژوهش حاضر نشان داده است که عدالت و شفافیت نه‌تنها مفاهیم نظری بلکه معیارهای کمی قابل ارزیابی هستند. این امر باعث می‌شود یافته‌ها به‌طور مستقیم در طراحی سیاست‌های بانکی قابل استفاده باشند. از منظر بین‌المللی، نتایج پژوهش حاضر مکمل مطالعاتی مانند صدیق (۲۰۲۲) و اُدّین (۲۰۱۵) است که بر چالش‌های جهانی در مقابله با معاملات ربوی تأکید کرده‌اند و نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی قابلیت تعمیم در سایر کشورها را نیز دارد.

هر پژوهشی با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها همراه است که درک و شناخت آن‌ها می‌تواند به طراحی پژوهش‌های آتی کمک کند. در این مطالعه، یکی از محدودیت‌های اصلی، اتکای به داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با تعداد محدودی از خبرگان صنعت بانکداری اسلامی بود. این محدودیت می‌تواند تأثیری بر تعمیم‌پذیری یافته‌ها داشته باشد، چرا که دیدگاه‌ها و تجربیات خبرگان ممکن است کاملاً نمایانگر کلیت تصویر صنعت بانکداری اسلامی نباشد. علاوه بر این، استفاده از روش بهترین - بدترین (BWM) برای اولویت‌بندی مؤلفه‌ها درحالی‌که رویکردی نوآورانه و کارآمد است، اما مستلزم درک و تجربه‌ی خبرگان در کاربرد صحیح این روش است. این مسئله می‌تواند بر اعتبار و دقت نتایج تأثیر بگذارد.

برای پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود: (۱) توسعه مطالعات ترکیبی کمی–کیفی که بتواند علاوه بر تحلیل‌های محتوایی، آزمون‌های آماری و مدل‌سازی ساختاری را نیز در بر گیرد؛ (۲) به‌کارگیری داده‌های بانکی واقعی (مانند قراردادها و صورت‌های مالی) برای اعتبارسنجی شاخص‌ها؛ (۳) مقایسه بین‌المللی میان کشورهای دارای نظام بانکداری اسلامی (مانند مالزی، اندونزی و بحرین) برای سنجش قابلیت تعمیم شاخص طراحی‌شده؛ (۴) بررسی اثر فناوری‌های نوین مالی مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی نه صرفاً در سطح کلی، بلکه با طراحی مدل‌های عملیاتی برای ردیابی و جلوگیری از معاملات ربوی. این مسیرها می‌توانند پژوهش‌های آینده را از سطح کلی‌گویی خارج کرده و به سمت ارائه راهکارهای کاربردی و اجرایی سوق دهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

منابع

۱. احمدوند، خلیل‌الله، و توحیدی، محمد (۱۳۹۴). سنجش میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی. *نشریه تحقیقات مالی اسلامی*، ۴(۲) ,۶۸-۴۱.

۲. احمدوند، خلیل‌الله، و توحیدی، محمد (۱۳۹۵). نقد نظریه عدم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری. *نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۹(۱)، ۱۹۹-۲۸۸.

۳. اسدی، محمد، راغبی، محمدعلی، و حیدری خراسانی، محمدجواد (۱۴۰۰). تخلص از ربای معاوضی از دیدگاه امام خمینی (ره). *نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵۴(۲)، ۳۶۱-۳۸۲.

۴. اشتراوس، لیو (۱۳۷۵). حقوق طبیعی و تاریخ. ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر آگاه.

۵. حاجی هاشمی ورنوسفادرانی منصوره، توحیدی محمد. شناسایی و تحلیل چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران (مستخرج از رساله دکترای حرفه ای انجمن مالی اسلامی ایران). *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۴۰۳; ۱۳ (۴۶) :۷-۳۶.

۶. حسینی، سید امرالله (۱۴۰۰). حریم‌های ربا در فقه اسلامی؛ دلالت‌هایی برای الگوی بانکداری اسلامی. *نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۲)، ۳۰۹-۳۳۶.

۷. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). تحریرالوسیله (ترجمه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (لإمام الخمینی)، ج ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۹. سیلسپور حسین، محقق نیا محمدجواد، امیری مقصود، ایازی سیدعلی. شناسایی ، تحلیل و اولویت‌بندی ذی‌نفعان نظام بانکی ایران با استفاده از روش تحلیل محتوا و روش ترکیبی بهترین – بدترین و آراس فازی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۴۰۳; ۱۳ (۴۷) :۳۷۱-۳۹۹.

۱۰. صدر، محمدباقر (۱۳۸۹). بانک بدون ربا. ترجمه مرتضی زنجانی، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

۱۱. عسکری، محمدمهدی، عیوضلو، حسین، صادقی شاهدانی، مهدی، و موسوی برجرودی، سید مهدی (۱۳۹۹). واکاوی فلسفه حرمت ربا با تأکید بر انتقال ظالمانه ریسک. *نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۱)، ۵۵-۸۴.

۱۲. عسگری آرانی، سجاد، مسعود، غلامحسین، و شکرچی زاده، محسن (۱۴۰۱). ربا در بانک‌های ایران و مصر از منظر فقه و قانون. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۶(۲)، ۱۴۳-۱۶۳.

۱۳. علوی، سید یحیی (۱۳۹۱). فلسفه تحریم ربا. *نشریه تحقیقات مالی اسلامی*، ۱(۱)،۲۵-۵۶.

۱۴. قاسملو، ساره، صباغچی، یحیی، و اکبری راد، طیبه (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی احکام (ربا) در اسلام و یهود. نامه الهیات، ۱۳(۵۰)، ۴۰-۶۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۱۵. کریپندورف، کلوس (۱۳۸۸). تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
۱۶. محقق، محمدجواد (۱۳۹۰). درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی. *نشریه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲(۲)، ۵۷-۸۰.
۱۷. محقق‌نیا، محمدجواد، و همکاران (۱۳۹۴). درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. مصباحی مقدم، غلامرضا، و احمدوند، خلیل‌الله (۱۳۸۹). ابعاد شناخت ربای جاهلی. *نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱(۲)، ۳۷-۷۰.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مجموعه یادداشت‌ها، ج ۴. تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. موسویان، سید عباس، نظرپور، محمدنقی، و کفشگر جلودار، حسین (۱۳۸۸). نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*. ۹(۳۶)، ۵۹-۸۸.
۲۱. موسویان، سید عباس، و میسمی، حسین (۱۳۹۳). نقد و بررسی دیدگاه‌های جدید پیرامون ربا و بهره بانکی. *نشریه تحقیقات مالی اسلامی*، ۳(۶)، ۷-۲۶.
۲۲. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۵). حیله‌های ربا. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶(۲۴)، ۹۵-۱۳۰.
۲۳. نظرپور، محمدنقی، یوسفی، محمدرضا، و ابراهیمی، میمنت (۱۳۹۳). شاخص‌های ممنوعیت ربا در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس. *نشریه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱(۲)،۹۴ -۶۷.
۲۴. نقدی دورباطی، مریم، عابدینی نجف‌آبادی، احمد، و پنجه‌پور، جواد (۱۳۹۵). بررسی فقهی موارد استثناء شده از حرمت ربا. *فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی*، ۹(۲)، ۱۴۵-۱۶۹.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق). قراءات فقهیه معاصرة (جلد ۲). قم: مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی.
26. Archer, S., & Abdel Karim, R. A. A. (2009). *Islamic finance: The regulatory challenge*. Singapore: John Wiley & Sons.
27. Chapra, M. U. (2008). *The Islamic vision of development in the light of Maqasid al-Shariah*. Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
28. Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. 5th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
29. De Grauwe, H., Han, Z., & Iqbal, Z. (2008). Risk management in Islamic banking. *Islamic Economic Studies*, *15*(2), 1–22.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

30. Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115 .
31. Glaser, B., & Strauss, A. (1967). The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research. Mill Valley, CA: Sociology Press.
32. Harahap, B., & Risfandy, T. (2022). Islamic Organization and the Perception of riba (Usury) and Conventional Banks Among Muslims: Evidence From Indonesia. *SAGE Open*, 12(2), 21582440221097931.
33. Hosseini, S. A. (2021). The Privacies of Usury in Islamic Jurisprudence; Implications for the Islamic Banking Model. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 13(2), 309-336.
34. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research,* 15(9), 1277-1288.
35. Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2011). *An introduction to Islamic finance: Theory and practice.* Singapore: John Wiley & Sons.
36. Islamic Development Bank. (2015). *Annual report.* Jeddah: Islamic Research and Training Institute (IRTI).
37. Islamic Financial Services Board (IFSB). (2017). *Guiding principles on regulatory and supervisory approaches for Islamic banks.* Kuala Lumpur: IFSB Publications.
38. Khan, T., & Ahmed, H. (2001). *Risk management: An analysis of issues in Islamic financial industry.* Jeddah: Islamic Research and Training Institute (IRTI), Islamic Development Bank.
39. Kuyateh, M. A. (2022). Shariah Compliance Prohibitions in Islamic Banking and Finance: The Case of Riba, Gharar and Maysir. *Journal of Islamic Banking & Finance*, 39 .(۱)
40. Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology, 28*(4), 563–575.
41. Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2016). *Research Methods for Business Students*. 7th edition, Harlow: Pearson Education Limited.
42. Siddique, M. Z. (2022). Modern money and Islamic banking in the light of Islamic law of riba. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 993-1008.
43. Uddin, M. A. (2015). Principles of Islamic finance: Prohibition of riba, gharar and maysir.
44. Waltz, C. F., & Bausell, R. B. (1981). *Nursing research: Design, statistics, and computer analysis.* Philadelphia: F.A. Davis Company.
45. Zaher, T. S., & Hassan, M. K. (2001). A comparative literature survey of Islamic finance and banking. *Financial Markets, Institutions & Instruments, 10*(4), 155–199.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]